

امنیت شغلی یا افق تصمیم‌گیری؛ تصدی مدیران و گزارشگری مالی متقلبان به تکیه بر الزام قانونی به کارگیری حسابرسی داخلی

ایمان داداشی^۱

امیر عتیقی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲۸

چکیده

براساس رویکرد افق تصمیم‌گیری، بدلیل بی‌توجهی مدیران به جریان‌های نقدی بعد از دوره تصدیشان، برخی از فرصت‌های آتی سرمایه‌گذاری از بین رفته و انگیزه بروز تخلف افزایش می‌یابد. از سوی دیگر با افزایش دوره تصدی و به تبع آن امنیت شغلی، تضاد منافع کاهش یافته؛ که این امر می‌تواند به کاهش تقلب توسط مدیران منجر گردد. تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های ۱۰۵ شرکت بورسی طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۶، به دنبال بررسی تأثیر دوره تصدی بر احتمال وقوع تقلب و نیز بررسی تأثیر بکارگیری حسابرسی داخلی از دو منظر داوطلبانه و اجباری بر ارتباط بین آن‌ها می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها با رگرسیون لاجیت نشان داد که همسو با رویکرد امنیت شغلی، دوره تصدی اثر منفی بر وقوع تقلب داشته و در شرکت‌های دارای واحد حسابرسی داخلی مبتنی بر رویکرد افق تصمیم‌گیری، این اثر مثبت است. یافته‌ها حاکی از آن است که در دوره اجباری بکارگیری حسابرسی داخلی، دوره تصدی اثر منفی بر وقوع تقلب داشته که این امر دلیلی بر بهبود کارایی واحدهای حسابرسی داخلی بعد از الزام قانونی سال ۱۳۹۱ است.

کلمات کلیدی: حسابرسی داخلی، دوره تصدی مدیر عامل، تقلب، رویکرد افق تصمیم‌گیری، رویکرد امنیت شغلی، الزام قانونی.

۱. گروه حسابداری، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل: idadashi@Baboliau.ac.ir

۲. گروه حسابداری، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۱. مقدمه

اهداف گزارشگری مالی از نیازها و خواسته‌های اطلاعاتی استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی سرچشمه می‌گیرد. هدف اصلی، بیان آثار اقتصادی رویدادها و عملیات مالی بر وضعیت و عملکرد واحد تجاری برای کمک به اشخاص خارجی برای اتخاذ تصمیمات مالی در ارتباط با واحد تجاری است. اما امروزه، ورشکستگی، تقلب و عدم موفقیت شرکت‌ها، همواره مسئله‌ای پیچیده و در خور توجه بوده است. در دنیای کنونی، تمایلات نامحدود بشر در مقابل منابع محدود اقتصادی قرار گرفته است. ظهور و سقوط هر پدیده‌ای ریشه در نیازهای واقعی و منطقی جوامع انسانی دارد. ظهور حسابرسی تقلب، در عرصه خدمات حرفه‌ای نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. در عصر حاضر، پیشرفت فناوری و تغییرات گسترده در محیط تجاری، موجب ایجاد شتاب فزاینده‌ای در اقتصاد شده است و به‌علت رقابت روزافزون موسسه‌ها، دستیابی به درآمد مورد انتظار نیز محدود شده است؛ بنابراین زمینه بروز تقلب، روزبه‌روز افزایش می‌یابد. تقلب، هر اقدام عمدی یا حذف و از قلم انداختن طرح‌ریزی شده است که به‌منظور فریب یا اغفال دیگران صورت می‌گیرد و باعث می‌شود قربانیان آن دچار زیان و عاملان و مرتکبان آن، منافعی را به‌دست آورند. تمام افراد جامعه فارغ از هرگونه فرهنگ و مذهب یا هر ویژگی دیگری، در معرض وسوسه ارتکاب به تقلب هستند. طبق استاندارد ۲۴۰ حسابرسی، تقلب- هرگونه اقدام عمدی توسط یک یا چند نفر از مدیران اجرایی، ارکان راهبری، کارکنان، یا اشخاص ثالث که متضمن فریبکاری برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیر قانونی است. تقلب در گزارش مالی می‌تواند تاثیری مخرب بر گزارش شرکت داشته باشد تا نقطه‌ای که ماهیت شرکت به مخاطره افند (زارع و ملکیان، ۱۳۹۴؛ ۶۶).

آثار زیانباری که رسوایی‌های مالی در سال‌های اخیر به وجود آورده است، توجه به بحث تقلب و به ویژه تقلب در گزارشگری مالی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. رسوایی‌های مالی نه تنها هزینه‌ها و زیان‌های اقتصادی مانند متضرر کردن اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و سهامداران داشته، بلکه هزینه‌های سیاسی و قضایی و ... را نیز به بار آورده است (صدیقی کمال، ۱۳۹۲؛ ۱۱۸). مفاهیم نظری گزارشگری مالی بیان می‌دارد که استفاده‌کنندگان صورتهای مالی باید بتوانند جهت تشخیص روند تغییرات در وضعیت مالی، عملکرد مالی و همچنین انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری، صورتهای مالی واحد شرکت در طی زمانهای مختلف و همچنین صورتهای مالی شرکت‌های مختلف در یک دوره خاص را با یکدیگر مقایسه نمایند. بدین ترتیب ضرورت دارد اثرات معاملات و سایر رویدادهای مشابه در داخل واحد تجاری و در طول زمان برای آن واحد تجاری با ثبات رویه اندازه‌گیری و ارائه شود و بین واحدهای تجاری مختلف نیز هماهنگی رویه در باب اندازه‌گیری و ارائه موضوعات مشابه رعایت گردد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸؛ ۷۶۷). با این حال وقوع تقلب‌های مالی در گزارشگری مالی و کاهش قابلیت اتکاء صورتهای مالی منجر به شکل‌گیری فضای بی‌اعتمادی در بازار سرمایه گشته که تلاش برای دسترسی به اطلاعات از خارج از بورس، هزینه فرصت از دست رفته و زیان ناشی از تصمیم‌گیری‌های غلط به واسطه استفاده از اطلاعات اشتباه و در نهایت تضییع منابع عمومی

جامعه بخشی از پیامدهای آن است (کردستانی و همکاران، ۱۳۸۹).

بنابر تحقیق فارل و همکاران^۱ (۱۹۹۹؛ ۳۷۴-۳۷۹)، به طور معمول تخمین دقیق میزان هزینه‌های تقلب و مصداق‌های آن امری مشکل است؛ زیرا بسیاری از تقلب‌ها و سوءاستفاده‌ها کشف نشده و همه موارد کشف شده نیز افشا نمی‌شوند، افزون بر این تأثیر مالی اقدام‌های مجرمانه نیز قابل اندازه‌گیری نخواهند بود. هر چند تقلب یک مفهوم گسترده‌ای دارد، اما آنچه به حساب‌رسان مربوط می‌شود، اقدامات متقلبانه‌ای است که به تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی می‌انجامد. والاس^۲ (۱۹۹۵؛ ۷۷-۸۵) تقلب را برنامه‌ای از پیش تعیین شده برای فریب دیگران تعریف می‌کند که از طریق ارائه اسناد و مدارک ساختگی صورت می‌گیرد. از آنجایی که تقلب اقدامی عمدی است، کشف آن در صورت‌های مالی بسیار مشکل می‌باشد، علاوه بر آن گزارشگری و کشف تقلب به معنای وقوع تقلب در صورت‌های مالی بوده که منجر به متضرر ساختن و مخدوش شدن اعتبار شرکت در بازار می‌شود، به همین دلیل اقداماتی در جهت جلوگیری و ممانعت از وقوع تقلب و کاهش احتمال آن همواره کانون توجه سرمایه‌گذاران، مدیران و حساب‌رسان بوده است، از جمله این اقدامات شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع تقلب می‌باشد. از طرفی وجود حسابرسی داخلی برای تقویت حاکمیت شرکتی، ارتقاء سامانه کنترل داخلی، کمک به مدیریت ریسک راهبردی و اطمینان یابی از شفافیت در گزارشگری در سطح داخلی و برون سازمانی، ضرورتی انکارناپذیر است. حسابرسی، چه مستقل و چه داخلی، در هر سازمان به لحاظ وظیفه نظارتی و اشتباهاتی که کشف و گزارش می‌کند نقش بازدارندگی دارد و باعث می‌شود که کمتر کسی بتواند در موقعیتی قرار گیرد که مرتکب تقلب و اشتباه شده و آن را پنهان کند. در فرآیند گزارشگری مالی، حساب‌رسان داخلی از جهت اعتبار دهی به درون سازمان باعث می‌شود که چنانچه اشتباهات و تحریف‌هایی در گزارش‌های مالی صورت گرفته باشد، آن‌ها را کشف و گزارش کند. در سالهای اخیر سازمانها با تغییر پیوسته نقش حسابرسی داخلی مواجهه بوده‌اند. وظیفه حسابرسی داخلی از فعالیتی نظارتی، به ارزیابی کیفیت و کفایت کنترل‌های داخلی، کمک به مدیریت ریسک واحد تجاری، ایفای نقش مشاوره‌ای و درنهایت بهبود حاکمیت شرکتی اثربخش تبدیل شده است و همواره این تغییر نقش با حمایت‌های همه جانبه سازمان‌ها، ذینفعان، و نهادهای قانون‌گذار همراه بوده است.

در این پژوهش قصد داریم تا تأثیر واحد حسابرسی داخلی به منزله یکی از ارکان راهبردی شرکتی را بر رابطه بین دوره تصدی مدیر عامل و احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌ها، مورد بررسی قرار دهیم، همچنین با توجه به الزام قانونی به کارگیری واحد حسابرسی داخلی درون شرکتها رابطه تصدی مدیر عامل و احتمال وقوع تقلب را با توجه به نقش داوطلبانه یا اجباری واحد حسابرسی داخلی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

1. Farrell et al

2. Wallace

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲. مبانی نظری

طبق بند ۴ بخش ۲۴۰ استانداردهای حسابرسی ایران، تقلب عبارت است از هرگونه اقدام عمدی فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از یک مزیت ناروا یا غیر قانونی (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). در ادامه همین استاندارد تقلب و اشتباه را از یکدیگر تفکیک می‌کند و عنوان می‌دارد که تنها ویژگی متمایزکننده تقلب از اشتباه، قصد و نیت شخص می‌باشد و تأکید دارد که اشتباهات از اعمال غیر عمدی نشأت می‌گیرد. در اجرای عملیات حسابرسی، ارائه‌های نادرست از دو نوع عمل زیر ناشی می‌شود:

- گزارشگری مالی متقلبانه که ارائه نادرست به شکل عمدی در گزارش‌های مالی به منظور گمراه کردن استفاده‌کنندگان به کار می‌رود و
 - سوءاستفاده از دارایی‌ها که به شکل سرقت دارایی‌های شرکت بوده و اثر آن به خوبی در گزارش‌های مالی منعکس نشده است (انجمن بازرسان رسمی تقلب، ۲۰۰۸).
- بیشتر تقلب‌های صورت‌های مالی، ویژگی‌های مشترک دارند و معمولاً با یکی از روش‌های زیر یا ترکیبی از آن‌ها صورت می‌گیرند:

تقلب از طریق شناسایی نادرست درآمدها: درآمدها و حساب‌های دریافتنی از جمله حساب‌هایی هستند که آسان‌تر و بیشتر در تقلب مربوط به صورت‌های مالی مورد دستکاری قرار می‌گیرند. تقلب از طریق درآمدها امری عادی است چرا که:

- در بسیاری از موارد، جایگزین‌ها و گزینه‌های قابل‌قبولی برای شناسایی نادرست و جعلی درآمدها وجود دارد و به همین سبب، شرکت‌ها علاقه بیشتری به استفاده از این روش برای ارتکاب تقلب دارند.
 - دستکاری سود خالص با استفاده از حساب درآمد و حساب‌های دریافتنی بسیار آسان است.
- تقلب از طریق حساب موجودی کالا و بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته:** این نوع تقلب یکی دیگر از موارد تقلب در صورت‌های مالی است که با مدیریت بر موجودی کالا و بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته اتفاق می‌افتد. برای مثال، شرکت موجودی پایان خود را بیش از واقع بیان نماید.

تقلب از طریق بیان بیشتر از واقع دارایی‌ها: دارایی‌ها را می‌توان از راه‌های مختلفی بیش از از واقع بیان کرد که معمول‌ترین این راه‌ها عبارت‌اند از:

- حذف نکردن دارایی‌هایی که ارزش آن‌ها به علت آسیب‌دیدگی از بین رفته است.
- سرمایه محسوب کردن مخارجی که باید به حساب هزینه برده شوند.
- مستهلک نکردن دارایی‌هایی که سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

استفاده نادرست از اقلام خارج از ترازنامه: اقلام خارج از ترازنامه که اغلب برای مدیریت مواردی چون ریسک اعتباری، تأمین مالی، بازار و نقدینگی و در قراردادهای اجاره و فعالیت‌های تحقیق و توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرند، ممکن است از طریق انتقال دارایی‌ها و بدهی‌های

پنهان در شرکت‌های مختلف و در سال‌های مختلف، موجب تقلب در صورت‌های مالی شوند.
تقلب از طریق افشای ناکافی: افشای ناکافی شامل افشای صورت‌های مالی گمراه‌کننده و غیرشفاف و بدون افشا، آثار با اهمیت اقلام مندرج در صورت‌های مالی است. به عبارتی، مدیریت یا حذف برخی از واقعیت‌های با اهمیت در صورت‌های مالی که در صورت افشا ممکن است تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان را تحت تأثیر قرار دهند، زمینه ارتکاب تقلب را فراهم می‌کند.

تقلب از طریق دستکاری در بدهی‌ها: یکی از راه‌های دستکاری بدهی‌ها، تجدید ساختار نامناسب و استفاده از ابزار ذخیره‌گیری برای بدهی‌ها است. ایجاد حساب ذخیره، خواه به منظور ادغام یا تجدید ساختار، دعای حقوقی و یا سایر عوامل، معمولاً باعث ایجاد حساب هزینه، بدهی و یا دارایی کاهنده در دفاتر شرکت می‌شود. اگرچه ایجاد حساب ذخیره برای جلوگیری از انتقال نادرست هزینه‌ها در سال‌های مختلف (رعایت اصل تطابق)، ابزاری مفید محسوب می‌شود؛ ولی متأسفانه شرکت‌ها به‌طور نادرستی از این ابزار جهت مدیریت درآمدهای خود استفاده می‌کنند؛ به این صورت که معمولاً ذخیره‌های مازاد به‌عنوان هزینه غیر عملیاتی تلقی و در دوره‌های مالی بعدی از سود عملیاتی کسر می‌شود. از سوی دیگر، معکوس کردن حساب ذخیره باعث ایجاد سود خالص می‌شود که برای جبران کسری درآمدها مورد استفاده قرار می‌گیرد (وکیلی فرد و همکاران، ۱۳۸۸؛ ۳۸).

در ادامه مبانی نظری مطروحه در خصوص ارتباط بین دوره تصدی مدیر عامل و احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی تشریح می‌گردد.

الف. رویکرد افق تصمیم‌گیری

مک لینگ^۱ (۱۹۷۶؛ ۳۱۰-۳۲۵) بیان نمودند که مدیران به واسطه کنترلی که بر منابع شرکت دارند، می‌توانند آنها را به فعالیتهایی اختصاص دهند که تنها در جهت منافع شخصی خودشان بوده و لزوماً حداکثر منافع مالکان را به همراه نداشته باشد. یکی از تضادهای بین مدیر و مالکان شرکت در افق تصمیم‌گیری آن‌ها می‌باشد. افق تصمیم‌گیری مدیران محدود به دوره تصدی مورد انتظارشان می‌باشد، آن‌ها یا در حال نزدیک شدن به سن بازنشستگی هستند، یا تعویض آنها محتمل است، بر این اساس تمایل زیادی برای توجه به جریان نقدی که بعد از دوره تصدیشان اتفاق می‌افتد از خود نشان نمی‌دهند، این دیدگاه باعث از بین رفتن برخی از فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری می‌گردد. شرایط ذکر شده در بالا برای مدیران انگیزه انجام تخلف‌های مالی را ایجاد کرده، حال اگر حسابرسی داخلی به عنوان مکانیزم اصلی راهبری شرکتی از کفایت و اثربخشی مناسبی برخوردار نباشد، موقعیت تقلب مالی نیز برای آنها فراهم می‌آید، در نتیجه احتمال وقوع تقلب در چنین حالتی افزایش می‌یابد؛ حجم بالای رسوایی‌های مالی اخیر سندی بر این گفته‌ها می‌باشد.

1. Mackling

ب. رویکرد امنیت شغلی

از دیدگاهی دیگر، با افزایش دوره تصدی، احساس امنیت شغلی در فرد افزایش می‌یابد. امنیت شغلی از جمله مسائلی است که افکار و انرژی کارکنان سازمان‌ها را به خود مشغول می‌کند و بخشی از انرژی روانی و فکری سازمان صرف این مسئله می‌شود. در صورتی که کارکنان از این بابت به سطح مطلوبی از آسودگی خاطر دست یابند، توان و انرژی فکری و جسمی خود را در اختیار سازمان قرار می‌دهند و سازمان نیز کم‌تر دچار تنش‌های انسانی می‌گردد (غفاری، ۱۳۹۶؛ ۶۱-۷۰). براساس این دیدگاه می‌توان انتظار داشت که با افزایش دوره تصدی مدیران و به تبع آن افزایش امنیت شغلی در آنها، تضاد منافع بین مدیران و مالکان کاهش یافته و تلاشها در جهت بهبود وضعیت موجود باشد که این امر می‌تواند به کاهش احتمال وقوع تحریف و تقلب از جانب مدیران منجر گردد.

۲-۲. پیشینه پژوهش

کنته^۱ (۲۰۱۸؛ ۵۴) در پژوهشی به درک ارتباط بین دوره تصدی مدیر عامل و اعتبار شرکت پرداخته و دریافت که مدیرانی با دوره تصدی بالاتر، تلاش بیشتری در زمینه خوشنامی شرکت‌ها می‌کنند زیرا که اعتبار خود را در ارتباطی مستقیم با اعتبار شرکت می‌دانند. ژانگ و همکاران^۲ (۲۰۱۷؛ ۱) در بررسی رابطه بین عمر هیأت مدیره و احتمال وقوع تقلب مالی در شرکت‌ها دریافتند که هیأت مدیره با دوره تصدی بالاتر، انگیزه و توانایی بیشتری برای جلوگیری و کاهش تخلفات مالی در شرکت‌ها دارند.

ساهیتی و همکاران^۳ (۲۰۱۷؛ ۱۵۳) دریافتند که وجود حسابرسی داخلی سبب افزایش قابلیت اتکای گزارشات مالی و کاهش احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی می‌گردد. محققین بیان نمودند که چشم انداز حسابرسی داخلی، افزودن ارزش به سازمانهای دولتی از طریق استفاده بهینه، منطقی و مؤثر از بودجه عمومی دولت می‌باشد.

تاپر^۴ (۲۰۱۷؛ ۳۴۲) طی پژوهشی با عنوان مسئولیت حسابرسان برای کشف خطاها و تقلب در صورتهای مالی، اقدام به بررسی عوامل ایجاد ریسک مرتبط با وقوع تقلب در فعالیت‌های حسابرسی نمود. این عوامل در ۵ طبقه اصلی شامل بدهیها، مشتریان، صاحبان سهام، حساب‌های سود و زبانی و موجودی کالا مورد تحلیل قرار گرفتند. محقق در این پژوهش به وظایف حسابرسان در پیشگیری و کشف تقلب در قالب این ۵ طبقه اشاره نموده است.

اومونیم و همکاران^۵ (۲۰۱۷؛ ۶۱) اقدام به بررسی ویژگی‌های حسابرسی داخلی شامل اندازه، کیفیت و استقلال بر جلوگیری و کشف تقلب‌های مالی در صنعت بانکداری نمودند. نتایج

1. Conte
2. Zhang et al
3. Sahiti et al
4. Topor
5. Omonyemen et al

نشان داد که هر سه ویژگی در ممانعت از وقوع تقلب‌های مالی تأثیر مثبت دارند. صالح و عثمان^۱ (۱۶؛ ۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که رابطه قابل توجهی میان تعداد جلسات هیأت مدیره و احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی شرکت‌ها وجود دارد، اما بین اندازه هیأت مدیره با تقلب رابطه معناداری یافت نشده است.

مریکا و همکاران^۲ (۱۶؛ ۲۰۳۵) رابطه‌ای مثبت را بین دوره تصدی مدیر عامل و صحت عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نشان دادند.

آدتیلو و همکاران^۳ (۱۶؛ ۲۰۱۷) دریافتند که در صنعت بانکداری کنترل داخلی به تنهایی جهت پیشگیری از تقلب مؤثر بوده اما همه کارکنان به آن متعهد نمی‌باشند. همچنین سیاست بانک مرکزی برای کاهش هزینه‌های جاری و بکارگیری کارکنان تحصیل کرده برای کاهش وقوع تقلب در سیستم بانکی مؤثر بوده است.

تانگوت و کلکاری^۴ (۱۵؛ ۲۰۷۱) طی مطالعه‌ای با عنوان کشف تقلب در صورت‌های مالی با استفاده از تکنیک داده‌کاوی و تحلیل عملکرد کاربرد دو روش داده کاوی با نام الگوریتم دسته بندی کی و MLFF را ارائه دادند و دریافتند که اطلاعات موجود در صورت‌های مالی منتشر شده شاخص‌های متقلبان را دارا می‌باشند. در این تحقیق نشان داده شد که شبکه عصبی نسبت به هر دو الگوریتم نام برده در کشف تقلب‌های مالی از دقت بالاتری برخوردار است.

علی و زانگ^۵ (۱۵؛ ۲۰۶۰) به این نتیجه رسیدند که سود به احتمال زیاد در ابتدای دوره تصدی مدیر عامل در مقایسه با دوره پایانی خدمت مدیر عامل بیشتر مورد اغراق قرار می‌گیرد. این نتیجه‌گیری با این فرض سازگار است که مدیران عامل در ابتدای دوره تصدی خود در مقایسه با مابقی زمان خدمتشان برای بیش از حد نشان دادن سود انگیزه بیشتری دارند.

موحد نور و همکاران (۱۰؛ ۲۰۱۲) طی پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکتی از جمله کیفیت حسابرسی، نوع مالکیت و اندازه بر گزارشگری مالی متقلبان در کشور مالزی پرداختند. یافته‌های بیانگر آن بود که کیفیت حسابرسی و اندازه شرکت اثر منفی و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبان داشتند.

سلیمانی امیری و طاهری (۱۳۹۷؛ ۱۴۹) با استفاده از مدل تحلیل شبکه (ANP) در رتبه بندی عوامل مؤثر بر کیفیت فعالیت حسابرسی داخلی نشان دادند که مراقبت حرفه‌ای، ویژگی‌های سازمانی، معیارهای کاری و صلاحیت به ترتیب دارای بالاترین ضریب اهمیت اثرگذاری بر کیفیت فعالیت حسابرسی داخلی را دارند.

مرادی و بحری ثالث (۱۳۹۷؛ ۱۰۷) بیان کردند که حمایت مدیریت ارشد، صلاحیت و شایستگی، ارتباط با حسابرسان مستقل، استقلال و اندازه واحد حسابرسی داخلی، به ترتیب

1. Saleh & Usman
2. Merika et al
3. Adetiloy et al
4. Tangaot & Kalkareny
5. Ali & Zhang

بیشترین تا کمترین تأثیر را در اثربخشی کنترل داخلی دارند. داداشی و همکاران (۱۳۹۷: ۱۵۹) طی پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی شامل تعداد کارکنان، دوره تصدی، تجربه و مدرک تحصیلی بر احتمال وقوع تقلب در صورتهای مالی پرداختند. یافته‌ها بیانگر آن بود که تجربه و دوره تصدی مدیر حسابرس داخلی به ترتیب دارای اثرات منفی و مثبتی بر احتمال وقوع تقلب در صورتهای مالی شرکت‌های مورد بررسی هستند. اما اثر معناداری از سوی سایر ویژگی‌های حسابرسی داخلی بر احتمال رخداد تقلب در صورتهای مالی مشاهده نشد.

کارشناسان و همکاران (۱۳۹۷: ۱۴۵) نشان دادند که بحران مالی اثر منفی و معناداری بر احتمال وقوع تقلب، مدیریت سود و ارزش سهام شرکت دارد.

نیکبخت و قدس (۱۳۹۷: ۱۸۷) در پژوهش خود نشان دادند که فاصله عملکرد حسابرسی داخلی در ایران از نظر مدیران حسابرسی داخلی در مقایسه با تعریف حسابرسی داخلی در استانداردهای بین‌المللی انجمن حسابرسان داخلی زیاد بوده و نیاز به بازتعریف آن در ایران است. عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۷: ۷۹) در آزمون فرضیه‌های مربوط به تأثیر آنتروپی نسبتهای نقدینگی و اهرمی بر شناسایی شرکت‌های مشکوک به تقلب در گزارشگری مالی دریافتند که تنها نسبت وجوه عملیاتی به بدهی دارای رابطه معناداری با شرکت‌های متقلب است.

مهدوی و قهرمانی (۱۳۹۶: ۴۵) با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی برای کشف تقلب به وسیله حسابرسان الگویی را ارائه کردند و به این نتیجه رسیدند که الگوی شبکه عصبی مصنوعی طراحی شده با ۹ نرون در لایه پنهان، دارای توانایی شناسایی شرکت‌های متقلب و غیر متقلب با دقت ۸۶/۹ درصد می‌باشد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۶: ۲۳) در پی مدل سازی متغیرهای اثرگذار برای کشف تقلب در صورتهای مالی با استفاده از تکنیک‌های داده کاوی بودند. نتایج تحقیق آنها حاکی از سودمندی متغیرهای نسبت پوشش بهره، نسبت حساب‌های دریافتنی به کل دارایی‌ها، نسبت موجودی کالا به فروش خالص، نسبت نقدی، لگاریتم طبیعی فروش، نسبت سود خالص به فروش و نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها برای کشف تقلب بود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پیش گفته، به دلیل وجود دو تئوری درخصوص تأثیر دوره تصدی بر احتمال وقوع تقلب، فرضیه‌ها به صورت بدون جهت و به شکل زیر تدوین می‌گردند:

فرضیه اول: دوره تصدی مدیر عامل اثر معناداری بر احتمال وقوع تقلب دارد.

فرضیه دوم: حسابرسی داخلی بر ارتباط بین دوره تصدی مدیر عامل و احتمال وقوع تقلب اثر معناداری دارد.

برابر ابلاغیه شماره ۱۰۷۴۷۴ سازمان بورس به تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۹ در راستای اجرای

دستورالعمل کنترل داخلی مصوب ۱۳۹۱/۰۲/۱۶ سازمان بورس اوراق بهادار، فعالیت حسابرس داخلی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ به تصویب هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسیده و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ملزم به بکارگیری حسابرسان داخلی می‌باشند. براساس توضیحات فوق در فرضیه سوم پژوهش، اثر بکارگیری داوطلبانه یا اجباری (الزام قانونی) حسابرسی داخلی در شرکت‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

فرضیه سوم: الزام قانونی بکارگیری حسابرسی داخلی بر ارتباط بین دوره تصدی مدیر عامل و احتمال وقوع تقلب اثر معناداری دارد.

۲-۳. جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد
- جز شرکت‌های فعال در صنعت واسطه‌گری مالی نباشد
- در دوره زمانی ۱۱ ساله مورد بررسی در بورس حضور داشته باشد.

با در نظر گرفتن شرایط مذکور، ۱۰۵ شرکت در بازه زمانی ۱۱ ساله ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۶ به عنوان جامعه همگن شده تحقیق انتخاب و در مجموع تعداد ۱۱۴۰ داده سال - شرکت مورد بررسی قرار گرفتند. در ادامه نتایج غربال‌گری شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران در جدول شماره ۱ گزارش می‌گردد:

جدول شماره ۱- غربال‌گری جامعه آماری

کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۶ = ۳۲۶ شرکت		
شرکت‌های باقی‌مانده	شرکت‌های مشمول	شرح محدودیت
۲۳۴	۹۲	از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ جزء شرکت‌های بورسی نباشند.
۱۸۵	۴۹	سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند هر سال نباشد.
۱۷۰	۱۵	جزء بانک‌ها، مؤسسات مالی و شرکت‌های لیزینگ باشد.
۱۰۵ شرکت	۶۵	اطلاعات مالی شرکت‌ها برای دوره ۱۱ ساله در دسترس نباشد.

۳-۳. مدل پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده می‌شود.

مدل فرضیه اول:

مدل (۱)

$$Fraud_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CEO\ Tenure_{i,t} + \alpha_2 MTB_{i,t} + \alpha_3 Size_{i,t} + \alpha_4 Loss_{i,t} + \alpha_5 RI_{i,t} + \alpha_6 Growth_{i,t} + \alpha_7 CFO_{i,t} + \alpha_8 Lev_{i,t} + \alpha_9 Age_{i,t} + \delta. Industry + \emptyset. Year + \varepsilon_{i,t}$$

مدل فرضیه دوم:

مدل (۲)

$$Fraud_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CEO\ Tenure_{i,t} + \alpha_2 IA_{i,t} + \alpha_3 IA. CEO\ Tenure_{i,t} + \alpha_4 MTB_{i,t} + \alpha_5 Size_{i,t} + \alpha_6 Loss_{i,t} + \alpha_7 RI_{i,t} + \alpha_8 Growth_{i,t} + \alpha_9 CFO_{i,t} + \alpha_{10} Lev_{i,t} + \alpha_{11} Age_{i,t} + \delta. Industry + \emptyset. Year + \varepsilon_{i,t}$$

همچنین برای آزمون فرضیه سوم تحقیق، مدل رگرسیونی به شرح زیر برآزش می‌گردد.

مدل (۳)

$$Fraud_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CEO\ Tenure_{i,t} + \alpha_2 IA_{i,t} + \alpha_3 IA. CEO\ Tenure_{i,t} + \alpha_4 legal_{i,t} + \alpha_5 legal. IA_{i,t} + \alpha_6 legal. IA. CEO\ Tenure_{i,t} + \alpha_7 MTB_{i,t} + \alpha_8 Size_{i,t} + \alpha_9 Loss_{i,t} + \alpha_{10} RI_{i,t} + \alpha_{11} Growth_{i,t} + \alpha_{12} CFO_{i,t} + \alpha_{13} Lev_{i,t} + \alpha_{14} Age_{i,t} + \delta. Industry + \emptyset. Year + \varepsilon_{i,t}$$

لازم به ذکر است که در تمامی مدل‌های فوق، اثرات مربوط به سال و صنعت کنترل خواهند شد.

۴-۳. متغیرهای پژوهش $Fraud_{i,t}$

در این پژوهش برای سنجش احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی از مدل برنامه‌ریزی ژنتیک زارع و ملکیان (۱۳۹۴) استفاده شده است. برنامه ریزی ژنتیک علاوه بر توان استخراج رابطه بین متغیرهای ورودی و خروجی، به طور خودکار و هوشمند، متغیرهایی که در مدل بیشترین تأثیر را دارند انتخاب می‌کند. در این مدل بعد از بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق تعداد ۹۲ نسبت مالی استخراج و با استفاده از نرم‌افزار متلب و طی دومرحله بااستفاده از آزمون‌های stepwise regression و Elastic net اقدام به انتخاب بهترین نسبت‌ها جهت پیش‌بینی تقلب شد که در این راستا ۷ نسبت نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی، حساب دریافتنی به فروش، وجه نقد به بدهی جاری، موجودی به دارایی جاری، بدهی به حقوق صاحبان سهام، سودناخالص به دارایی و قدرمطلق تغییرات در نسبت جاری به عنوان نسبت‌های مالی نهایی انتخاب شدند. در جدول شماره ۲ بکارگیری نسبت‌های فوق در سایر مدل‌های محاسبه احتمال وقوع تقلب نمایش داده شده است.

جدول شماره ۲- پیشینه بکارگیری نسبت‌های مالی در مدل‌های محاسبه تقلب

نسبت مالی	محقق و سال ارائه مدل
سرمایه در گردش به کل داراییها	لنارد و علم ^۱ (۲۰۰۹)، راویسنکر و همکاران ^۲ (۲۰۱۱)
حساب‌های دریافتنی به فروش	استیس و همکاران ^۳ (۱۹۹۱)، پیرون ^۴ (۱۹۹۵)، کامینسکی و همکاران ^۵ (۲۰۰۴)، کایرکس و همکاران (۲۰۰۷)، پرولز ^۶ (۲۰۱۱)
بدهی به حقوق صاحبان سهام	اسپاتیس و همکاران ^۷ (۲۰۰۲)، کایرکس و همکاران ^۸ (۲۰۰۷)، دالنیل و همکاران ^۹ (۲۰۱۴)
سود ناخالص به دارایی‌ها	کایرکس و همکاران (۲۰۰۷)
وجه نقد به بدهیهای جاری	کاناپیکین و گراندین (۲۰۱۵)
موجودی کالا به داراییهای جاری	کاناپیکین و گراندین (۲۰۱۵)
قدر مطلق تغییرات سرمایه در گردش	-
منبع: کاناپیکین و گراندین ^۱ (۲۰۱۵)	

1. Lenard & Alam / 2. Ravisankar et al / 3. Stice et al / 4. Persons / 5. Kaminski et al / 6. Perols / 7. Spathis / 8. Kirkos et al / 9. Dalnial et al

همچنین برای اندازه‌گیری تقلب مالی با استفاده از مبانی نظری تحقیق مربوط به تقلب در صورت‌های مالی و نیز روش تحلیل محتوا در بررسی بندهای ارائه‌شده در گزارش حسابرس مستقل صورت‌های مالی، کلیه بندهای مربوط به عدم توافق و محدودیت به چهار شاخص اصلی بیش‌نمایی یا کم‌نمایی اقلام ترازنامه یا سود و زیان، افشا نامناسب، عدم شناسایی تعدیلات و موارد احتمالی و موارد اختلاف بیمه و مالیات و قراردادهای تقسیم شد که هر یک از این شاخص‌ها به ترتیب دارای ۷ عامل (نبود سیستم بهای تمام‌شده محصول، عدم وجود یا کفایت ذخیره کاهش ارزش دارایی، عدم تسعیر مناسب بدهی و دارایی، بیش‌نمایی یا کم‌نمایی درآمد و دارایی‌ها، بیش‌نمایی یا کم‌نمایی هزینه و بدهی، عدم کفایت ذخیره مزایای پایان خدمت و شناسایی تعدیلات سنواتی در سود و زیان جاری و برعکس)، ۴ عامل (عدم ارائه درست گزارش شرکت فرعی، عدم افشای کافی، عدم ارائه گزارش مناسب برای اقلام راکد و عدم رعایت طبقه‌بندی صحیح حساب‌ها) و ۳ عامل (مشخص نبودن تأثیر ناشی از تعدیلات احتمالی حساب‌ها، مشخص نبودن مدارک لازم جهت تعیین آثار ناشی از حل و فصل دعاوی و عدم دریافت تأییدیه از بدهکاران و بانک‌ها و حساب‌های پرداختنی) و ۳ عامل (عدم کفایت ذخیره بابت بیمه، عدم کفایت ذخیره بابت مالیات عمکرد و عدم دسترسی یا رعایت قراردادهای) بودند.

برای تهیه پرسشنامه در مرحله اول، به‌بررسی و تحلیل محتوای اظهارنظرها و بندهای ۱۸۱ شرکت برای پرداخت و عوامل استخراج شد. در مرحله دوم، با توجه به عوامل به‌دست‌آمده از

بندهای حسابرسی مستقل شرکت و با استفاده از نظر خبرگان و متخصصان دانشگاهی و حسابرسان مستقل، اقدام به طبقه‌بندی عوامل در ۴ طبقه اصلی شد. در مرحله سوم، به منظور دست یافتن به اهداف تحقیق و پاسخگویی به سؤالات تحقیق، پرسشنامه‌ای تنظیم شد که در آن ۱۷ شاخص در ۴ طبقه با پرسشنامه‌ای مخصوص جهت رتبه‌بندی شاخص‌ها، بین پرسش‌شوندگان توزیع گردید. هریک از پرسشنامه‌ها به صورت ۹ گزینه‌ای جدول ماتریس AHP فازی تنظیم شده بود. در مرحله چهارم، متناسب با بندهای حسابرسی مربوط به هر شرکت و درصدهای به دست آمده در مرحله قبل برای هر سال شرکت عددی بعنوان نماینده تقلب شرکت محاسبه گردید. در مرحله پنجم، برای متقارن نمودن و انجام تحلیل، شرکت‌ها با توجه تقلب محاسبه شده، مرتب شده و طبقه اول که گزارش حسابرسی آن‌ها مقبول است، نمره تقلب برای آن‌ها عدد صفر و طبقه سوم که عدد تقلب به دست آمده برای آن‌ها نسبت به طبقات دیگر بیشتر است، نمره تقلب ۱ در نظر گرفته شد (زارع و ملکیان، ۱۳۹۴؛ ۶۸).

لازم به ذکر است که مدل ژنتیک زارع و ملکیان (۱۳۹۴) یک مدل بومی بوده و نیازی به تعدیل براساس شرایط محیطی بورس اوراق بهادار تهران در آن وجود ندارد. رابطه بین تقلب و متغیرهای ورودی بر مبنای مدل ژنتیک زارع و ملکیان (۱۳۹۴) به صورت زیر می‌باشد:

مدل (۳)

$$\text{Fraud} = (\text{WC}/\text{TA} - \text{TD}/\text{TE})^2 - (8.0378 * \text{TD}/\text{TE} * \Delta\text{cur}) - \Delta\text{cur}^5 - \text{TD}/\text{TE} + (\text{GI}/\text{TA} + \exp(\Delta\text{cur}))^8 / ((\text{GI}/\text{TA} + \text{CASH}/\text{CL})^8 * (\text{REC}/\text{S} - 4.5021)^8) + \text{WC}/\text{TA}^3 * \cos(\Delta\text{cur})^3 * (2 * \text{REC}/\text{S} + \text{INV}/\text{CA} - 9.0575)^3 * (2 * \text{WC}/\text{TA} + \text{REC}/\text{S} + \Delta\text{cur} * \Delta\text{cur})^3 - 9.0210))$$

که در مدل ۳:

REC/S حساب‌های دریافتنی به فروش	WC/TA سرمایه در گردش به کل دارایی
GI/TA سود ناخالص به کل دارایی	TD/TE بدهی به حقوق صاحبان سهام
INV/CA موجودی کالا به دارایی جاری	CASH/CL وجه نقد به بدهی جاری
	Δcur قدر مطلق تغییرات در نسبت جاری

بعد از محاسبه احتمال وقوع تقلب براساس مدل فوق، اگر عدد حاصله بیشتر از ۰/۵ شود، عدد یک (وجود تقلب) و در غیر این صورت عدد صفر (عدم وجود تقلب) اختصاص داده می‌شود. $CEO\ Tenure_{i,t}$: دوره تصدی مدیر عامل شرکت i در سال t که برابر است با تعداد سال‌هایی که شخصی در سمت مدیر عاملی یک شرکت به صورت پیوسته باشد، که برای بدست آوردن آن از یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی استفاده شده است.

$IA_{i,t}$: این متغیر شامل هر دو نوع بکارگیری حسابرسی داخلی (داوطلبانه و اجباری) می‌باشد و صرفاً وجود حسابرسی داخلی در ساختار حاکمیت شرکتی را مدنظر قرار می‌دهد. اگر شرکت i در سال t واحد حسابرسی داخلی داشته باشد به آن عدد ۱ (وجود) و در غیر این صورت

عدد ۰ (عدم وجود) اختصاص داده می‌شود.

Legal_{i,t}: بیانگر بکارگیری اجباری (الزام قانونی) حسابرسی داخلی در شرکت‌های مورد بررسی می‌باشد. بدین ترتیب برای سال‌های قبل از ۱۳۹۱ که حسابرسی داخلی به صورت داوطلبانه در شرکت‌ها فعالیت نموده، عدد ۰ و برای بعد از آن، که شرکت‌ها براساس ابلاغیه بورس الزام به بکارگیری حسابرسان داخلی داشته‌اند، عدد ۱ لحاظ می‌گردد.

MTB_{i,t}: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t .

Size_{i,t}: لگاریتم طبیعی مجموع کل دارایی‌های شرکت i در سال t .

Loss_{i,t}: متغیر مصنوعی که اگر شرکت i در سال t زیان ده باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت عدد ۰ می‌پذیرد.

RI_{i,t}: نسبت مجموع موجودی‌ها و حساب‌های دریافتنی به مجموع دارایی‌های شرکت i در سال t .

Growth_{i,t}: رشد فروش شرکت i در سال t .

CFO_{i,t}: نسبت خالص جریان نقد عملیاتی شرکت به جمع کل دارایی‌های شرکت i در سال t .

Age_{i,t}: عمر شرکت که برابر است با لگاریتم تعداد سال‌های حضور شرکت i در بورس اوراق بهادار در پایان سال t .

Lev_{i,t}: نسبت بدهی به دارایی‌های شرکت i در سال t .

۴. تحلیل یافته‌های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی

جدول شماره ۳ مقادیر آماره‌های مربوط به شاخصهای مرکزی و پراکندگی را شامل می‌شود. شاخصهای مرکزی و پراکندگی برای متغیرهای تحقیق به منظور تحلیل توصیفی متغیرها قبل از آزمون فرضیه به کار گرفته می‌شوند، این اقدام به منظور ارائه دیدگاهی کلی نسبت به جامعه آماری و شناخت بیشتر آن صورت می‌گیرد. با توجه به میانگین متغیر تقلب، یعنی ۰/۳۷۹ در جدول ۳ می‌توان دریافت که در این پژوهش، تعداد سال-شرکت‌های غیر متقلب بیشتر از سال-شرکت‌های متقلب است. میانگین ۰/۵۴۲ برای متغیر الزام قانونی بکارگیری حسابرسان داخلی بیانگر همگن بودن نمونه مورد بررسی در پژوهش حاضر از نظر استفاده داوطلبانه و اجباری این مکانیزم مؤثر حاکمیت شرکتی است.

جدول شماره ۳-آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
تقلب	Fraud	۰/۳۷۹	۰/۴۸۵	۰	۱
دوره تصدی مدیر	Ceo tenure	۳/۸۱۴	۳/۲۰۹	۱	۲۱
حسابرسی داخلی	IA	۵۳۴/۰	۴۹۹/۰	۰	۱
الزام قانونی بکارگیری حسابرسی داخلی	Legal	۰/۵۴۲	۰/۴۹۸	۰	۱
تعاملی حسابرسان داخلی و تصدی	IA.Ceo tenure	۲/۰۲۸	۳/۱۴۲	۰	۲۱
تعاملی الزام قانونی و حسابرسان داخلی	Legal.IA	۰/۴۴۷	۰/۴۹۷	۰	۱
تعاملی الزام قانونی، تصدی و حسابرسان داخلی	Legal.Ceo tenure.IA	۱/۷۸۳	۳/۱۲۹	۰	۲۱
بازار به دفتری	MTB	۲/۰۰۵	۱/۶۹۰	-۸/۳۸۰	۱۴/۲۹۴
اندازه شرکت	Size	۶/۰۸۸	۰/۶۶۲	۴/۲۹۵	۸/۴۱۴
موجودی و حساب دریافتنی	RI	۰/۴۴۶	۰/۲۰۴	۰	۰/۹۶۹
رشد فروش	Growth	۰/۱۷۵	۰/۳۲۱	-۰/۹۳۱	۲/۳۹۴
جریان نقد عملیاتی	CFO	۰/۱۳۴	۰/۱۳۰	-۰/۳۰۴	۰/۷۷۳
زیان		۰/۷۶/۰	۲۶۵/۰	۰	۱
قدمت در بورس	Age	۱/۱۷۵	۰/۲۳۴	۰	۱/۶۹۸
اهرم مالی	Lev	۰/۵۸۴	۰/۲۰۱	۰/۰۶۵	۱/۸۰۴

(منبع یافته‌های محقق)

۲-۴. آمار استنباطی

۴-۲-۱. فرضیه اول تحقیق

در این پژوهش با کنترل اثرات سال و صنعت، مدل‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها به صورت مقطعی برازش می‌گردد. به دلیل دوارزشی بودن متغیر وابسته تحقیق از رگرسیون لاجیت برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود. در مدل‌های لاجیت به دلیل موهومی بودن متغیر وابسته عموماً بین جملات خطا ناهمسانی واریانس وجود دارد لذا با اجرای دستور روباست^۱ اقدام به حل مشکل ناهمسانی واریانس شده است. همچنین باتوجه به این که مدل لاجیت، مدلی لگاریتمی است، تفسیر ضرایب آن نمی‌تواند مستقیماً صورت بگیرد. لذا برای تفسیر نحوه تأثیرگذاری متغیرهای توضیحی بر وابسته، نیاز به محاسبه اثرات حاشیه‌ای متوسط می‌باشد. در این تحقیق برای ارزیابی نیکوئی برازش مدل‌های رگرسیونی از آزمون‌های هاسمر-لمشو و درصد صحت پیش‌بینی و آماره

1. Robust

کای دو و قدرمطلق لگاریتم لایکلیهود استفاده شده است. همه این موارد در جدول شماره (۴) ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۴- نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیونی اول

متغیر	ضریب	اثر حاشیه‌ای	انحراف استاندارد	آماره Z	معناداری
دوره تصدی مدیرعامل	-۰/۰۷۴	-۰/۰۰۹	۰/۰۳۲	-۲/۲۶	۰/۰۲۴
بازار به دفتری	-۰/۰۲۰	-۰/۰۰۲	۰/۰۵۵	-۰/۳۷	۰/۷۱۲
اندازه شرکت	-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۱	۰/۱۶۸	-۰/۰۶	۰/۹۵۳
زیان	۱/۵۹۶	۰/۲۱۰	۰/۵۰۰	۳/۱۹	۰/۰۰۱
موجودی و دریافتنی	-۴/۸۶۶	-۰/۶۴۲	۰/۵۸۲	-۸/۳۵	۰/۰۰۰
رشد فروش	-۰/۸۶۰	-۰/۱۱۳	۰/۳۳۰	-۲/۶۱	۰/۰۰۹
جریان نقد عملیاتی	-۶/۱۸۸	-۰/۸۱۶	۰/۹۵۶	-۶/۴۷	۰/۰۰۰
قدمت در بورس	۱/۴۵۸	۰/۱۹۲	۰/۴۰۵	۳/۵۹	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۶/۵۲۸	۰/۸۶۱	۰/۷۸۷	۸/۲۹	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	-۴/۲۴۲	-	۱/۲۷۱	-۳/۳۴	۰/۰۰۱
اثر سال			کنترل شد		
اثر صنعت			کنترل شد		
آماره کای دو (معناداری)	۲۲۷/۴۷ (۰/۰۰۰)				
قدرمطلق لگاریتم لایکلیهود	۴۶۰/۰۸۶				
آماره هاسمر-لمشو (معناداری)	۵/۸۰ (۰/۶۶۹)				
درصد صحت پیش‌بینی	۸۱/۵۸				

(منبع یافته‌های محقق)

براساس جدول شماره (۴)، سطح معناداری و اثرات حاشیه‌ای برای دوره تصدی مدیر عامل به ترتیب برابر ۰/۰۲۴ و -۰/۰۰۹ می‌باشد که بیانگر وجود تأثیر منفی و معنادار دوره تصدی بر احتمال وقوع تقلب در صورتهای مالی است. لذا در بین شرکت‌های مورد بررسی، با افزایش سالانه دوران مدیریت می‌توان انتظار کاهشی برابر ۰/۰۰۹ در احتمال وقوع تقلب را داشت. این مشاهده با رویکرد امنیت شغلی مدیران که پیشتر در مبانی نظری به آن اشاره شد، همسو است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که زیان، قدمت در بورس و اهرم مالی، احتمال وقوع تقلب را افزایش؛ و نسبت موجودی و حساب دریافتنی، رشد فروش و جریان نقد عملیاتی این احتمال را کاهش می‌دهد. آماره‌ها و نتایج ذکر شده مرتبط با نیکویی برازش مدل در جدول فوق نیز بر برازش صحیح مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد اشاره دارند. از جمله آن که معناداری ۰/۶۶۹ برای آزمون هاسمر-لمشو دلیلی بر رد فرضیه صفر در این آزمون و تأییدی بر برازش صحیح مدل است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل فوق قادر به پیش‌بینی صحیح احتمال وقوع تقلب به میزان ۸۱/۵۸ درصد است.

۴-۲-۲. فرضیه دوم تحقیق

در فرضیه دوم صرفاً وجود واحد حسابرسی داخلی در شرکت‌ها و تأثیر آن بر ارتباط بین دوره تصدی مدیرعامل و گزارشگری متقلبانه مورد بررسی قرار گرفته است. این حضور می‌تواند به صورت داوطلبانه (قبل از سال ۱۳۹۱) و یا اجباری (بعد از سال ۱۳۹۱) باشد. خروجی آزمون‌های برازش شده برای فرضیه دوم پژوهش در جدول شماره (۵) آمده است.

جدول شماره ۵- نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیونی دوم

متغیر	ضریب	اثرحاشیه ای	انحراف استاندارد	آماره Z	معناداری
دوره تصدی مدیرعامل	-۰/۱۹۱	-۰/۰۲۴	۰/۰۴۶	-۴/۱۵	۰/۰۰۰
حسابرسی داخلی	-۰/۹۳۷	-۰/۱۲۲	۰/۳۱۳	-۲/۹۹	۰/۰۰۳
تعاملی دوره تصدی و حسابرسی داخلی	۰/۱۸۹	۰/۰۲۴	۰/۰۵۷	۳/۲۸	۰/۰۰۱
بازار به دفتری	-۰/۰۳۶	-۰/۰۰۴	۰/۰۵۷	-۰/۶۳	۰/۵۲۸
اندازه شرکت	۰/۰۸۱	۰/۰۱۰	۰/۱۷۷	۰/۴۶	۰/۶۴۶
زبان	۱/۷۲۵	۰/۲۲۴	۰/۵۴۱	۳/۱۹	۰/۰۰۱
موجودی و دریافتنی	-۴/۸۴۱	-۰/۶۳۰	۰/۵۸۳	-۸/۲۹	۰/۰۰۰
رشد فروش	-۰/۸۲۶	-۰/۱۰۷	۰/۳۴۴	-۲/۴۰	۰/۰۱۶
جریان نقد عملیاتی	-۶/۳۹۶	-۰/۸۳۳	۰/۹۷۰	-۶/۵۹	۰/۰۰۰
قدمت در بورس	۱/۴۸۳	۰/۱۹۳	۰/۴۰۹	۳/۶۲	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۶/۷۲۳	۰/۸۷۶	۰/۸۳۲	۸/۰۸	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	-۴/۴۹۶	-	۱/۳۳۸	-۳/۳۶	۰/۰۰۱
اثر سال			کنترل شد		
اثر صنعت			کنترل شد		
آماره کای دو (معناداری)				۲۲۱/۴۱ (۰/۰۰۰)	
قدر مطلق لگاریتم لایکلیهود				۴۵۴/۴۲۸	
آماره هاسمر-لمشو (معناداری)				۱۰/۷۵ (۰/۲۱۶)	
درصد صحت پیش‌بینی				۸۱/۹۳	

(منبع یافته‌های محقق)

با توجه به مندرجات جدول شماره (۵)، سطح معناداری و اثرات حاشیه‌ای متوسط برای متغیر تعاملی دوره تصدی و حسابرسی داخلی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۱ و ۰/۰۲۴ می‌باشد که نشان می‌دهد همسو با رویکرد افق تصمیم‌گیری، در شرکت‌های دارای واحد حسابرسی داخلی (از هر دو منظر داوطلبانه و اجباری)، دوره تصدی مدیر عامل اثر مثبت و معناداری بر احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی دارد. به عبارت دیگر در بین شرکت‌های دارای واحد حسابرسی داخلی، با افزایش سالانه دوران مدیریت می‌توان انتظار افزایشی برابر ۰/۰۲۴ واحدی در احتمال وقوع تقلب را داشت. یافته‌های حاصل از برازش مدل رگرسیونی مربوط به فرضیه دوم حاکی از

وجود اثر مثبت متغیرهایی نظیر زیان شرکت، قدمت در بورس و اهرم مالی و همچنین اثر منفی متغیرهایی نظیر نسبت موجودی و حساب دریافتنی، رشد فروش و جریان نقد عملیاتی بر احتمال وقوع تقلب در صورتهای مالی بوده است. آمارها و نتایج ذکر شده مرتبط با نیکوئی برازش مدل در جدول فوق نیز بر برازش صحیح مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد اشاره دارند. از جمله آن که معناداری ۰/۲۱۶ برای آزمون هاسمر- لمشو دلیلی بر رد فرضیه صفر در این آزمون و تأییدی بر برازش صحیح مدل است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل فوق قادر به پیش‌بینی صحیح احتمال وقوع تقلب به میزان ۸۱/۹۳ درصد است.

۴-۳. فرضیه سوم تحقیق

در فرضیه سوم پژوهش، بکارگیری داوطلبانه یا اجباری (الزام قانونی) حسابرسی داخلی در شرکت‌ها از یکدیگر تفکیک و تأثیر الزام قانونی بکارگیری حسابرسی داخلی بر ارتباط بین دوره تصدی مدیر عامل و احتمال وقوع تقلب مورد بررسی قرار گرفته است. جدول شماره (۶) حاوی اطلاعاتی پیرامون نتایج آزمون‌های برازش شده برای فرضیه سوم تحقیق می‌باشد.

جدول شماره ۶- نتایج حاصل از آزمون مدل رگرسیونی سوم

متغیر	ضریب	اثرحاشیه ای	انحراف استاندارد	آماره Z	معناداری
دوره تصدی مدیر	-۰/۱۹۰	-۰/۰۲۴	۰/۰۴۵	-۴/۱۷	۰/۰۰۰
حسابرسی داخلی	-۱/۶۸۰	-۰/۲۱۶	۰/۶۱۲	-۲/۷۵	۰/۰۰۶
الزام قانونی	۲/۵۶۴	۰/۳۳۰	۰/۵۸۷	۴/۳۷	۰/۰۰۰
تعاملی دوره تصدی و حسابرسی داخلی	۰/۶۰۸	۰/۰۷۸	۰/۲۱۵	۲/۸۲	۰/۰۰۵
تعاملی الزام قانونی و حسابرسی داخلی	۰/۴۰۶	۰/۰۵۲	۰/۶۶۵	۰/۶۱	۰/۵۴۱
تعاملی دوره تصدی، حسابرسی داخلی و الزام قانونی	-۰/۴۳۸	-۰/۰۵۶	۰/۲۱۳	-۲/۰۵	۰/۰۴۱
بازار به دفتری	-۰/۰۳۶	-۰/۰۰۴	۰/۰۵۷	-۰/۶۳	۰/۵۳۱
اندازه شرکت	۰/۰۲۸	۰/۰۰۳	۰/۱۷۷	۰/۱۶	۰/۸۷۲
زیان	۱/۶۱۹	۰/۲۰۸	۰/۵۴۱	۲/۹۹	۰/۰۰۳
موجودی و دریافتنی	-۴/۹۶۷	-۰/۶۳۹	۰/۵۸۷	-۸/۴۵	۰/۰۰۰
رشد فروش	-۰/۸۱۱	-۰/۱۰۴	۰/۳۴۱	-۲/۳۸	۰/۰۱۷
جریان نقد عملیاتی	-۶/۳۸۴	-۰/۸۲۲	۰/۹۳۸	-۶/۸۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۶/۸۷۴	۰/۸۸۵	۰/۸۲۱	۸/۳۷	۰/۰۰۰
قدمت در بورس	۱/۵۳۰	۰/۱۹۷	۰/۴۱۳	۳/۷۱	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	-۴/۳۲۷	-	۱/۳۳۳	-۳/۲۴	۰/۰۰۱
اثر سال			کنترل شد		
اثر صنعت			کنترل شد		

آماره کای دو (معناداری)	۲۲۸/۱۵ (۰/۰۰۰)
قدرمطلق لگاریتم لایکلیهود	۴۴۹/۷۱۴
آماره هاسمر-لمشو (معناداری)	۴/۶۳ (۰/۷۹۶)
درصد صحت پیش‌بینی	۸۲/۴۶

(منبع یافته‌های محقق)

با توجه به مندرجات جدول شماره (۶)، سطح معناداری و اثرات حاشیه‌ای متوسط برای متغیر تعاملی دوره تصدی مدیر عامل، حسابرسی داخلی و الزام قانونی به ترتیب برابر با ۰/۰۴۱ و ۰/۰۵۶- می‌باشد که در دوره اجباری بکارگیری حسابرسی داخلی، دوره تصدی اثر منفی و معناداری بر احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکتها داشته که این امر دلیلی بر بهبود کارایی واحدهای حسابرسی داخلی بعد از الزام قانونی سال ۱۳۹۱ است. آماره‌ها و نتایج ذکر شده مرتبط با نیکوئی برازش مدل در جدول فوق نیز بر برازش صحیح مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد اشاره دارند. از جمله آن که معناداری ۰/۷۹۶ برای آزمون هاسمر-لمشو دلیلی بر رد فرضیه صفر در این آزمون و تأییدی بر برازش صحیح مدل است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل فوق قادر به پیش‌بینی صحیح احتمال وقوع تقلب به میزان ۸۲/۴۶ درصد است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

صورت‌های مالی با ارائه تصویری از وضعیت و عملکرد مالی شرکتها، استفاده کنندگان را در راه اخذ تصمیمات اقتصادی جهت کسب بازده مورد انتظارشان یاری می‌نمایند. اما از سوی دیگر، برخی از مدیران با هدف کسب سود بیشتر و مطلوب نشان دادن وضعیت مالی، اعتبار صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به طوری که در برخی از موارد حتی حسابرسان نیز قادر به کشف تقلب‌ها و تحریف‌های صورت گرفته از سوی مدیران نیستند. کشف تقلب از دیرباز مورد توجه حسابرسان مستقل، داخلی و نهادهای حرفه‌ای بوده و بر همین اساس تأکید این نهادهای حرفه‌ای و استانداردهای حسابرسی بر اصلاح ساختار سازمانی، بهبود سیستم کنترل داخلی و انجام حسابرسی‌های مداوم و منظم می‌باشد تا از این طریق، احتمال وقوع تقلب کاهش و اعتبار گزارشات مالی افزایش یابد. نکته قابل توجه این که، امروزه تقلب از حالت سنتی سرقت منابع مالی و حساب سازی فراتر رفته و معمولاً مدیران از طریق مدیریت اقلام تعهدی به هموار سازی و مدیریت سود می‌پردازند. تقلب مشتمل بر اشتباه منعکس کردن اقلام صورت‌های مالی است که اغلب از طریق بیش نمایی دارایی‌ها و درآمدها و یا کم نمایی بدهی‌ها و هزینه‌ها صورت می‌پذیرد. این نوع از تقلب معمولاً توسط مدیران سازمان‌هایی که به دنبال مطلوب نشان دادن تصویر و عملکرد سازمان خود هستند، انجام می‌گیرد و ممکن است شخص مدیر از طریق فروش سهام، دریافت پاداش و سایر منافع، از مزایای این تقلب بهره مند گشته یا از این گزارشگری متقلبانه به منظور سازمان دادن و پوشش به سایر تقلبات دیگر بهره جوید. با بزرگ و پیچیده تر شدن

فعالیت‌ها، امکان رسیدگی به تمام فعالیت‌ها توسط مدیریت سلب شد؛ حسابرسی داخلی به عنوان حرفه‌ای برای یاری سازمان‌ها در انجام درست کارها، پا به عرصه وجود گذاشت. حسابرسی داخلی به سرعت در جهان مورد پذیرش و حمایت مدیران شرکت‌ها قرار گرفت و اهمیت یافت. در راستای استقرار کنترل داخلی مناسب و اثربخش، مدیران ارشد اجرایی می‌بایست ضمن استقرار و به کارگیری کنترل‌های داخلی، مطابق با دستورالعمل کنترل داخلی از نتایج ارزیابی حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی داخلی استفاده نمایند.

با توجه به اهمیت آثار منفی تقلب در شرکت‌ها، آثار مخرب آن بر بازار سرمایه و اعتماد سرمایه‌گذاران و در نهایت تخریب ارزش شرکت‌ها، در پژوهش‌های اخیر، محققین توجه ویژه‌ای به تقلب مالی و عوامل تأثیرگذار بر آن کرده‌اند. افزایش توجه به مسأله تقلب در سال‌های اخیر نشان دهنده رشد سطح آگاهی افراد از اثرات زیان بار تقلب به خصوص در جریان جهانی شدن اقتصاد و تجارت است. تضاد منافع بین مالکیت و مدیریت زمینه ساز فساد مالی است. اگرچه ناکامی در کشف گزارشگری متقلبانه در انجام فرآیند حسابرسی می‌تواند حسابرسان را در معرض پیامدهای حقوقی و قانونی نامساعدی قرار دهد، ولی با این حال مسئولیت اصلی جلوگیری و کشف تقلب بر عهده مدیریت و افراد عهده‌دار راهبری شرکتی (حسابرسان داخلی) می‌باشد. بر همین اساس در این پژوهش سعی شده است تا تأثیر یکی از اصلی‌ترین مکانیزم‌های راهبری شرکتی، یعنی واحد حسابرسی داخلی را بر ارتباط بین دوره تصدی مدیر عامل و احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌ها مورد بررسی قرار دهیم. در این پژوهش حضور حسابرسان داخلی در شرکت‌ها از دو منظر داوطلبانه یا اجباری بودن آن نیز مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج فرضیه اول تأییدی بر رویکرد امنیت شغلی مدیران بوده است. مشاهده چنین نتیجه‌ای می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که افزایش دوره تصدی مدیر منجر به نزدیکی تابع مطلوبیت او با شرکت باشد، یعنی اینکه منافعش با منافع شرکت همسو شده و اعمال و رفتاری در جهت رسیدن به این منافع از خود نشان می‌دهد. این یافته با نتایج پژوهش‌های کنته (۲۰۱۸)، ژانگ و همکاران (۲۰۱۷)، مریکا و همکاران (۲۰۱۶) و علی و ژانگ (۲۰۱۵) همسو است.

در فرضیه دوم صرفاً حضور حسابرسی داخلی مهم بوده و این حضور به هر دو شکل داوطلبانه و اجباری مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از فرضیه دوم نشان داد که در بین شرکت‌های دارای واحد حسابرسی داخلی، با افزایش دوره تصدی مدیران احتمال وقوع تقلب افزایش می‌یابد. این یافته با رویکرد افق تصمیم‌گیری مدیران که پیشتر در مبنای نظری تحقیق به آن اشاره شد، همسو است. یافته‌ها بیانگر آن بود که مدیران از حضور حسابرسان داخلی صرفاً به عنوان سیگنال مثبت برای بازار سهام و تأمین کنندگان سرمایه استفاده نموده‌اند ولی این واحدها به وظیفه نظارتی‌شان درست عمل نکرده و به عنوان ظاهری مناسب برای باطن ناصحیح گزارشگری مالی شرکت‌ها بوده‌اند. از طرفی دیگر با کمی دقت در یافته‌های حاصل از تحقیقات داخلی صورت گرفته درباره مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، می‌توان به این نتیجه رسید که، اکثر این تحقیقات به نوعی عدم ارتباط بین حاکمیت شرکتی و سایر متغیرهای مورد بررسی،

رسیده‌اند. از آن جمله می‌توان به تحقیقاتی چون رهبری (۱۳۸۳)، یزدانیان (۱۳۸۵)، پورزمانی (۱۳۸۵)، قنبری (۱۳۸۶)، حسینی (۱۳۸۶)، رئیسی (۱۳۸۷) و داداشی و همکاران (۱۳۹۷) اشاره نمود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که، حاکمیت شرکتی در شرکت‌های ایرانی، بازارهای سرمایه و محافل علمی، در سالهای قبل از الزام قانونی (سال ۱۳۹۱) هنوز در ابتدای راه خود بوده و فاصله‌ای بسیار با مفاهیم مطروحه از حاکمیت، در سایر کشورهای پیش‌رو داشته است. این مشاهده می‌تواند بیانگر آن باشد که حسابرسی داخلی در سال‌های اولیه، تنها در حد یک واحد و یک نام در شرکتها حضور داشته و تا اجرای کامل و نیل به وظیفه اصلی خود یعنی نظارت بر اثربخشی سیستم‌های کنترل داخلی شرکتها، راه طولانی در پیش داشت، که این امر نظارت جدی بورس اوراق بهادار تهران را به عنوان متولی اصلی بازار سرمایه طلب می‌کرد. نتایج بدست آمده در این پژوهش با یافته‌های ساهیتی (۲۰۱۷)، آدتیلولی (۲۰۱۶)، عثمان (۲۰۱۵)، پتراسکو و اتینو (۲۰۱۴) مغایر و با یافته‌های کنته (۲۰۱۸)، ژانگ و همکاران (۲۰۱۷)، سورانکه (۲۰۱۶) و ایما (۲۰۱۵) منطبق است.

بعد از توجه بورس اوراق بهادار تهران به سازوکارهای حاکمیتی و الزام به بکارگیری برخی از آنها همچون حسابرسی داخلی در سال ۱۳۹۱، به تدریج شرایط بهتر شده است. نتایج حاصل از فرضیه سوم پژوهش مصداقی بر این نکته است.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. ابراهیمی، مهرداد؛ خواجهی، شکرالله (۱۳۹۶). مدلسازی متغیرهای اثرگذار برای کشف تقلب در صورتهای مالی با استفاده از تکنیک‌های داده کاوی. فصلنامه حسابداری مالی، ۹ (۳۳)، ۵۰-۲۳.
۲. داداشی، ایمان؛ کردمنجیری، سجاد؛ برادران، مریم (۱۳۹۷). تأثیر ساختار حسابرسی داخلی بر احتمال تقلب در صورتهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، ۱۸ (۷۰)، ۱۷۸-۱۵۹.
۳. زارع، محمد جواد؛ ملکیان، اسفندیار (۱۳۹۴). پیش‌بینی تقلب در صورتهای مالی با استفاده از نسبت‌های مالی. چشم انداز مدیریت مالی، ۱ (۱۲)، ۸۰-۶۵.
۴. زارع، محمد جواد؛ ملکیان، اسفندیار (۱۳۹۵). رتبه بندی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع تقلب مالی با توجه به گزارش حسابرسی صورتهای مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶ (۲۱)، ۱۷-۱.
۵. سلیمانی امیری، غلامرضا؛ طاهری، ماندانا (۱۳۹۷). رتبه بندی عوامل مؤثر بر کیفیت فعالیت حسابرسی داخلی: مدل تحلیل شبکه (ANP)، دانش حسابرسی، ۱۸ (۷۱)، ۱۷۳-۱۴۹.
۶. صدیقی، کمال (۱۳۹۲). تقلب در صورتهای مالی بر طبق گزارشات بازرسان تقلب. مجله دانش حسابرسی، ۵ (۶۴)، ۱۲۰-۱۱۶.
۷. عبدالله زاده، سلام؛ محمدی ملقرنی، عطاالله؛ نوروش، ایرج؛ امینی، پیمان (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آنتروپی نسبت‌های نقدینگی و اهرمی بر شناسایی شرکت‌های مشکوک به تقلب در گزارشگری مالی. دانش حسابرسی، ۱۸ (۷۲)، ۹۶-۷۹.
۸. غفاری، وحید؛ محمودی، محمد (۱۳۹۶). بررسی ارتباط فرهنگ، دوره تصدی مدیریت و عملکرد با ایفای نقش مسئولیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۵ (۲)، ۷۸-۵۹.
۹. کارشناسان، علی؛ بهرامی نسب، علی؛ ممشلی، رضا (۱۳۹۷). تأثیر بحران مالی بر احتمال گزارشگری متقلبان و ارزش سهام. دانش حسابداری مالی، ۵ (۴)، ۱۶۷-۱۴۵.
۱۰. کردستانی، غلامرضا؛ آزاد، عبدالله؛ کاظمی، محبوبه (۱۳۸۹). آزمون تجربی اهمیت تعدیلات سنواتی در بازار

- سرمایه. تحقیقات حسابداری، ۱۸(۱)، ۶۲-۷۳.
۱۱. کمیته فنی سازمان حسابداری (۱۳۸۸). استانداردهای حسابداری، تهران: انتشارات سازمان حسابداری
 ۱۲. مرادی، بابک؛ بحری ثالث، جمال (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابداری داخلی در بهبود کنترل‌های داخلی مطالعه موردی: بانک‌ها و شرکت‌های دولتی آذربایجان غربی. دانش حسابداری و حسابداری مدیریت. ۲۸(۷)، ۱۰۷-۱۲۱.
 ۱۳. مهدوی، غلام حسین؛ قهرمانی، علیرضا (۱۳۹۶). ارائه الگویی برای کشف تقلب به وسیله حساب‌رسان با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی. مجله دانش حسابداری، ۱۷(۶۷)، ۴۵-۱۷.
 ۱۴. نیکبخت، محمدرضا؛ قدس حسن آباد، مریم (۱۳۹۷). عملکرد حسابداری داخلی در ایران از دیدگاه مدیران حسابداری داخلی: رویکرد کلاسیک نظریه بنیانی. دانش حسابداری و حسابداری مدیریت. ۲۸(۷)، ۱۸۷-۱۹۹.
 ۱۵. وکیلی فرد، حمیدرضا؛ جبارزاده کنگرلوئی، سعید؛ پوررضا سلطان احمدی، اکبر (۱۳۸۸). بررسی ویژگیهای تقلب در صورتهای مالی. حسابدار. ۲۱۰، ۴۱-۳۶.

ب- منابع انگلیسی:

1. Adetiloye, K. A, Olokoyo, F. O and Taiwo, J.N. (2016). Fraud prevention and internal control in the Nigerian banking system. International journal of economics and financial issues, 6(3), 1172-1179.
2. Ali, A. Zhang, W. (2015). CEO Tenure and Earning Management. Journal of accounting and economic, (59), 60-79.
3. Association of Certified Fraud Examiners (ACFE) (2012). Report to the Nation on Occupational Fraud and Abuse. Austin, TX: ACFE.
4. Conte, F. (2018). Understanding the Influence of CEO Tenure and CEO Reputation on Corporate Reputation, International Journal of Business and Management, 13(3), 54-66.
5. Dalnial H. kamaluddin, A. Mohdsanusi, Z. and Syafizakhaiddin k. (2014). Accountability in financial reporting: detecting fraudulent firms, procedia-social and behavioral sciences, (145), 61-69.
6. Farrell, K.A. Allgood, S. (1999). The Effect of CEO Tenure on the Relation between Firm Performance and Turnover. Journal of Financial Research (Fall 2000). 5(12), 373-390.
7. Jensen, M., & Mackling, R. (2010). Pioneers in finance: An interview with Michael C. Jensen- Part 2- Harvard Business School NOM Unit Working Paper.
8. Jensen, M. Meckling, W. (1976) "Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure", Journal of Financial Economics, 1(3), 305-360
9. Kanapickienė, R. and Grundienė, Z. (2015). The Model of fraud Detection in Financial-Statements by Means of Financial Ratios, Social and Behavioral Sciences. 2(213), 321-327.
10. Merika, A. Triantafyllou, A. Kalogeropoulou, S (2016). The Causal Relationship Between CEO Tenure and Firm Financial Performance in the Shipping Industry, The Journal of auditing, (68), 357-373.
11. Mohd Nor, Juahir & Ahmad, Norsiah & Mohd Saleh, Norman. (2010). Fraudulent financial reporting and company characteristics: tax audit evidence. Journal of Financial Reporting and Accounting. 8. 128-142. 10.1108/19852511011088389.
12. Omonyemen, Idogei S. Mary, Joslah. Godwin, Onomuhara.O (2017). Internal Control as the Basis for Prevention, Detection and Eradication of Fraud in Banks in Nigeria, International Journal of Economics, Commerce and Management, 7(9), 61-88.
13. Sahiti, C. A. Lutolli, C. L. Asmajli, H. and Aliu, M. (2017). The role of internal audit as starting point for the discovery of irregularities in the financial statements of public companies in kosovo, European journal of economics business studies, 7(1), 153-159.
14. Saleh, M. Usman, A (2016). The Relationship Between Board Structures and Fraud, International Journal of Business and Management, 12(2), 1-38.



15. The Institute of Internal Auditors (2013). "International Standards for the Professional Practice of Internal Auditing Standards", available online at: <https://na.theiia.org/standards-guidance/man-day-guidance/Pages/Standards.aspx>, [21 August 2013].
16. Topor, D. L. (2017). The Auditor's Responsibility for Finding Errors and Fraud from Financial Situations: Case Study, International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences, 7(1), 342-352.
17. Wallace, W. A. (1984). Time Series Analysis of the Effect of Internal Audit Activities on External Audit Fees, Altamonte Spring, FL, the Institute of Internal Auditors.
18. Wallace, A (1995) Two models of CSR to communities. Mesa State College, Sinder, Jamie-Hill, P, Ronald, CSR in the 20st century, journal of business ethics, (48), 74-93.
19. Zhang, L. Yuehua, X. Honghui, C. (2017). Board age and corporate financial fraud, Long Range Planning. 1-16.